

جمعه‌گردی های اسماعیل نوری علا

جنبش سیاسی و برنامه های اجرایی

مسئلاً اگر اعضاء بی شمار «جنبش» موفق شوند تا در مورد ایجاد یک «آلترناتیو» با یکدیگر به توافق برسند و آن «آلترناتیو» اجرای نقش هماهنگی و هدایت مبارزات ملت را برای رسیدن به آزادی و استقلال و حاکمیت ملی بر عهده بگیرد و پس از انحلال حکومت اسلامی نیز، کشور را تا رسیدن به موعد انجام رفراندوم ها و انتخابات های گوناگون اداره کند، لازم است که هم در دوران مبارزات و هم در دوران موقت اداره کشور، انتظار ارائه همه گونه برنامه های ویژه و موضع گیری های خاص را از آن داشت.

esmail@nooriala.com

در آستانه برگزاری سومین کنگره سالانه سکولار دموکرات های ایران، کمیته برگزاری این کنگره با پرسش ها و نکات چندی روبرو شده است که من، بعنوان یکی از اعضاء آن کمیته و مسئول دعوت از شرکت کنندگان اش، بیجا نمی بینم که در مورد برخی از این نکات، که مستقیماً به مسائل مبتلابه سیاسی اپوزیسیون انحلال طلب حکومت اسلامی مربوط می شود، پردازم؛ نکاتی که از موضوع «استفاده از واژگان» آغاز و به حیطه «برنامه های سیاسی» کشیده می شود.

اشتراکات نظر

در فروردین 2013، حدود دوازده تن از فعالان سیاسی خارج کشور، گرد هم آمدند تا دست به اقدامی سیاسی بزنند[1]. طی جلسات متعددی که داشتند تحلیل ها و پیشنهادات مختلفی در میان شان مطرح شد و، در راستای منظم ساختن گفتگوها، کوشش به عمل آمد تا کار رسیدگی به «ایده ها» ئی که مطرح می شوند از بحث درباره مشترکات آغاز شود. این مشترکات چنین جمع بندی شد:

1. سه دهه پس از پیروزی اسلامیت های ایرانی بر انقلاب دموکراسی خواهانه ملت ایران و تجربه بلند و دلشگن حکومت آنها بر کشورمان، موج خروج و فرار و مهاجرتی که هم از ابتدای کار این حکومت آغاز شده بود تبدیل به نارضایتی عمیق مردم در داخل کشور شده بود و آنها همواره کوشیده اند تا از هر «فرصت» که پیش آمده برای خلاص شدن از شر وجود این حکومت استفاده کنند.
2. انتخابات سال 76 و پیروزی حرکتی که «جنبش اصلاحات» نام گرفت، و در پی آن تجلی «جنبش دانشجویی»، که طی آن برای نخستین بار خواستاری حکومت سکولار مطرح شد، و آنگاه فرا رسیدن فرصت انتخابات 88 و رویارویی با وضعیتی که کل سیاهکاری های حکومت مدعی «جمهوری بودن» را برملا کرد و خود موجب پیدایش «جنبش سبز» شد که طی آن نقش مخرب اصلاح طلبی در راستای حفظ حکومت اسلامی نیز آشکار گردید، مراحل از مسیر پست و بلندی بشمار می روند که ملت ایران، با تحمل مشقات بسیار، آن را طی کرده است.
3. نمود اصلی نارضایتی وسیع مردم از حکومت اسلامی بخوبی در تبدیل شعار «رأی من کو؟» به شعار «جمهوری ایرانی» خودنمایی کرد. اگرچه شعار اول همچنان مورد استناد هواخواهان مبارزه برای وصول به انتخابات آزاد» است اما شعار دوم، آشکارا، انحلال «جمهوری اسلامی» و برقراری «جمهوری ایرانی» هدف قرار گرفته بود. این شعار نیازی به تفسیرهای معوج نداشت و

بروشنی بیان می کرد که حکومت نمی تواند صفتی را بخود بگیرد که خاص بخشی از ملت است و بقیه را تبدیل به شهروندان درجه دو می کند. شرط «ایرانی» بودن حکومت خروج مذهب و ایدئولوژی از قانون اساسی و ساختارهای حکومتی برآمده از آن است.

4. ایرانی شدن حکومت و سکولار گشتن آن، به معنی برقراری «حاکمیت ملی» است و

اینگونه حاکمیت تنها از مجرای استقرار دموکراسی واقعی و انجام انتخابات منصفانه و آزادی که بوسیله بین المجالس سازمان ملل تعریف شده ممکن می شود.

5. اما بسنده کردن به لفظ «دموکراسی» دیگر کافی نیست چرا که طی بیش از یک قرن

نحله های مختلف سیاسی و ایدئولوژیک صفات مختلفی را برای آن قائل شده اند که «مردمسالاری دینی» آخرین برساخته این جریان دموکراسی کش بوده است. بنا بر این لازم است که برای تأکید بر شرط لازم و قاطع سکولار بودن دموکراسی، این صفت نیز آشکارا مورد استفاده قرار گیرد و خواستاری «دمکراسی سکولار و لاغیر» مورد تأکید قرار گیرد. از اینجا بود که تصمیم گرفته شد همه فعالیت های آینده جمع بر اساس طلب «سکولار دموکراسی» انجام گیرد و فعالان این راه خود را «سکولار دموکرات» بخوانند و معرفی کنند.

پیمان نامه عصر نو

1. پرسش آنگاه اینگونه فرموله شد که «یک سکولار دموکرات، در عام ترین ذهنیت خود،

چگونه آدمی است؟» حاصل بحث ها در این مورد به نوشته شدن سندی با نام «پیمان نامه عصر نو»

انجامید [2]. این سند بیان می داشت که فرا تر از هر نظر و عقیده و فکر سیاسی، و تا حکومت

اسلامی در کشورمان برقرار است، باید به تعریفی از سکولار دموکراسی دست یافت که عام ترین

شمول را داشته و هیچ بخشی از ملت ایران را از گستره خود حذف نکند. پس در دیپاچه «پیمان

نامه» چنین نوشته شد: «این "پیمان نامه" برای آنانی فراهم آمده که از زن و مرد، پیر و جوان،

کوشنده سیاسی و فرهنگی و اجتماعی، کارورز و بی کار، خداشناس و دین مدار و منکر ماوراء

الطبیعه، پناهنده و مهاجر، و برآمده از دل اقوام و تیره ها و مردمان گونه گون ایرانی، با زبان ها و

فرهنگ ها و ادیان و عقاید گوناگونی که زیر سقف آسمان بلند ایران در هم تنیده اند، چه منفرد و چه

همپیوند با گروه ها و احزاب و سازمان ها و شبکه ها و اتحادیه ها و شوراهای مختلف، می خواهند تا

نخست تعریفی تفصیلی از صفات مشخصه خویش را ارائه داده و سپس راهکارهایی را برای اتحاد

نیروهای سکولار دموکرات ایران ارائه دهند».

2. آشکار است که چنین «راهکار»هایی نمی توانند به تشکیل احزاب سیاسی بیانجامند؛ چرا

که حزب سیاسی بر اساس تفکیک نظری و عملی گروه های مختلف اجتماعی بوجود می آیند و

بجای فراگیری عام دارای شمول خاص هستند.

3. پس تجلی مادی «راهکارهای سکولار دموکراسی» چه می تواند باشد؟ در برابر ما

اصطلاحات متعددی وجود داشت همچون جبهه، ائتلاف، اتحاد و نظایر آنها. اما همه این اصطلاحات نیز

به لحاظ ارائه خواسته های معین قادر به ارائه شمول عام نبودند. عاقبت، جمع به واژه «جنبش»

روی آورد که فراگیر، گسترنده، عام بوده و بر فراز تشکل ها و شخصیت های سیاسی مختلف بال و پر می گسترد و تعلق به گروه و سازمان خاصی ندارد.

4. پیمان نامهء عصر نو بر وجود «جنبش سکولار دموکراسی ایران» گواهی می داد بدون آنکه قصد تصاحب آن را داشته باشد؛ و آن را پدیدهء گسترده و عام در داخل و خارج کشور می دید که قابل تصدیق است چون وجود دارد اما قابل تصاحب نیست چرا که گسترده و جهان شمول است.

5. در پی امضای حدود 250 تن از روشنفکران و سیاستمداران خارج کشور، پیمان نامه بعنوان سندی قابل اتکاء به دست تاریخ سپرده شد اما جمعی که این جریان را آغاز کرده بود نمی توانست آن را انتهای کار خود نیز تلقی کند. پیمان نامه در واقع آغازگاه راه بلندی بود که در پیش روی قرار داشت. رایزنی پیرامون اقدامات بعدی آغاز شد. «جنبش سکولار دموکراسی ایران» نمی توانست شکل تشکیلات حزبی بخود بگیرد اما می توانست بستری برای فعالیت تشکلات جدید و شخصیت های گرونده به آن باشد. پس، در اولین قدم، لازم بود وسیله ای فراهم آید تا آنان که خود را سکولار دموکرات می دانند و می خواهند که در راستای وصول به اهداف آن عمل کنند بتوانند از طریق آن وسیله با یکدیگر تماس داشته و به رایزنی بپردازند.

کنگرهء سالانهء سکولار دموکرات ها

1. این «ملاحظات» فکر برگزاری یک «گردهمآئی سالانه» را مطرح ساخت. قرار شد جمع مشورتی، که تا آن زمان عده ای به آن افزوده شده و عده ای از آن کناره گرفته بودند، خود را «کمیتهء برگزاری» بخواند و، بدون ورود به هرگونه بحث سیاسی، کار خود را بر تهیهء منابع مالی، تهیهء محل گردهمآئی و وسائل فنی مورد نیاز، و نیز تعیین برنامه های کلی گردهمآئی، متمرکز کند. بموازات این کار قرار شد تا، علاوه بر امور مزبور، نسبت به تهیهء فهرستی از نام های نویسندگان، روشنفکران، سیاستمداران و فعالان سیاسی و حقوق بشری و یافتن آدرس ای - میل آنها اقدام شده و فهرست مزبور بعنوان «مدعوین عام» منتشر شده و برای کسانی نیز که آدرس ای - میل شان در دسترس است دعوتنامه های فردی ارسال شود[3].

2. در کنار این تصمیمات بر یک نکتهء مهم نیز تأکید شد: این گردهمآئی باید همواره شکل «داوطلبانه» داشته باشد، و کلیهء هزینه های آمد و شد و اقامت شرکت کنندگان در شهری که گرد هم می آیند به خرج جیب خودشان انجام گیرد. کمیتهء برگزاری تنها خرج تهیهء سالن برگزاری کنگره و نیازمندی های مربوط به برگزاری گردهمآئی و نهارها و چای و قهوهء دو روز را بر عهده می گیرد.

3. آنگاه، در این مورد بحث شد که گردهمآئی را چه بنامیم. آیا مشخصات آن با ویژگی های یک کنفرانس یا سمینار خوانائی داشت؟ به نظر کمیتهء برگزاری، طبیعت عام و مکرر سالانه ای که برای گردهمآئی در نظر گرفته شده بود چندان ربطی به کنفرانس ها و سمینارهای رایج نداشت. شاید بهتر بود آن را گردهمآئی سالانهء سکولار دموکرات های ایران بنامیم. اما عاقبت تصمیم گرفته شد که لفظ «کنگره»، هم به دلیل طنینی آشنا که در زبان فارسی دارد و هم بخاطر تشخیصی که این «گردهمآئی» دارد، برای کار مناسب ترین است.

اما گفته شده است که «کنگره» بالاترین نهاد تصمیم‌گیری یک تشکل سیاسی است و نمی‌توان کنگره‌ای بر پا کرد بی‌آنکه پشت سر آن چنان تشکیلاتی وجود داشته باشد. این ایراد، از نظر من، بیشتر از عادات سنتی ما بر می‌خیزد و ربطی به معنای واقعی واژه «کنگره» ندارد. کنگره درست به معنای «گردهمائی» است و از ترکیب con به معنای «بسوی هم» gress به معنای رفتن یا آمدن و بطور کلی حرکت کردن می‌آید. con را در واژه کنفرانس یا کنفدراسیون هم می‌بینیم و gress را مثلاً در واژه progress که در فارسی به «پیش رفت» ترجمه شده است. به عبارت دیگر، congress به معنای «به سوی هم رفتن یا آمدن» است و همان معنای «گردهمائی» را می‌دهد که، بر خلاف معادل فارسی اش، حاوی اشاره‌ای به رسمی بودن کار نیز دارد؛ حال آنکه «گردهمائی» می‌تواند برای هر گونه فعالیتی بکار برده شود.

همچنین، واژه کنگره را در موارد مختلفی، جدا از معنای «بالاترین نهاد تصمیم‌گیری یک تشکل سیاسی»، بکار برده‌اند. مجموع دو مجلس نمایندگان امریکا را «کنگره امریکا» می‌خوانند و یا بزرگ‌ترین حزب سیاسی هندوستان «حزب کنگره» نام دارد.

«کنگره سکولار دموکرات‌های ایران» هم گردهمائی سالانه کسانی است که خود را سکولار دموکرات می‌دانند اما نه دارای رابطه مشخصی با هم‌اند و نه لزوماً تعلق به حزب یا تشکیلات معینی دارند. به همین دلیل، این کنگره شامل افرادی از صفوف و صفوف و احزاب و گروه‌های سیاسی و نیز شخصیت‌های سیاسی منفرد گوناگونی هستند که پذیرفته‌اند تنها در سایه یک حکومت سکولار دموکرات است که هم حاکمیت ملی به دست می‌آید، هم دموکراسی برقرار می‌شود و هم، بالاتر از همه، احزاب سیاسی قادر می‌شوند که «برنامه‌ها» و نه «ایدئولوژی‌ها» خود را به جامعه ارائه داده و از آنها برای مدت معینی اجازه بگیرند تا کشور را اداره کنند.

جنبش و برنامه‌های سیاسی

1. به این ترتیب، از جنبش سکولار دموکراسی ایران و حتی نهاد هماهنگی خاصی که ممکن است برای آن ایجاد کرد، و نیز از کنگره سکولار دموکرات‌ها، نمی‌توان انتظار ارائه برنامه‌های اجرایی داشت و از آنها طرح‌های اجرایی خاص را مطالبه کرد [4]. در این زمینه پیمان نامه عصر نو کوشیده است تنها خطوط کلی برآمده از اندیشه سکولار دموکرات را ارائه دهد.
2. مسلماً اگر اعضاء بی‌شمار «جنبش» موفق شوند تا در مورد ایجاد یک «آلترناتیو سکولار دموکرات» با یکدیگر به توافق برسند و آن «آلترناتیو» اجرای نقش هماهنگی و هدایت مبارزات ملت ایران برای رسیدن به آزادی و استقلال و حاکمیت ملی را بر عهده بگیرد و، پس از انحلال حکومت اسلامی نیز، کشور را تا رسیدن به موعد انجام رفراندوم‌ها و انتخابات‌های گوناگون اداره کند، لازم است که در دوران مبارزات و، پس از آن، در دوران موقت اداره کشور، انتظار ارائه همه‌گونه برنامه‌های ویژه و موضع‌گیری‌های خاص را از آن داشت.
3. پیمان نامه عصر نو، علاوه بر تشریح ویژگی‌های مربوط به یک شخصیت سکولار دموکرات، خطوط کلی برآمده از اینگونه تفکر را نیز بصورت زیر ارائه داده است:

الف: ما، قبل از هر امر دیگری، خود را «ایرانی» می دانیم... و، طبعاً، این نخستین «هویت» سراسری ما، تا زمانی می تواند معنای واقعی داشته باشد که کشوری به نام ایران، با حدود و ثغور جغرافیائی و مرزهای سیاسی شناخته شده، کنونی اش در سطح بین المللی، وجود داشته باشد. به همین دلیل ما خواهان «حفظ تمامیت ارضی ایران کنونی» و یکپارچگی مردمانی هستیم که خود را متعلق به آن می دانند و «ملت ایران» خوانده می شوند...

ب: ما، در درون مرزهای خدشه ناپذیر ایران، «وحدت گرا و تمرکز پرهیزیم»؛ و معتقدیم که حکومت آینده ایران باید بصورت «نامتمرکز»، و بر اساس الگویی که مجلس مؤسسان آینده جزئیات آن را تعیین می کند، شکل بگیرد. در نزد ما «حکومت نامتمرکز» به معنی تقسیم اختیارات میان حکومت مرکزی و حکومت های محلی، که چگونگی آن بوسیله مجلس مؤسسان تعیین می شود، در راستای کارا کردن دموکراسی و تشدید وحدت ملی ایرانیان و جلوگیری از بازتولید استبداد است. پ: باور داریم که لازم است تصمیم گیری امور جاری در هر منطقه - که حدود و ثغور آن نه بر اساس پیوندهای قومی و زبانی، که بر بنیاد معیارهای علمی و بین المللی تقسیمات کشوری، بصورت استان بندی کارا صورت می گیرد - توسط مردم هر منطقه اداره شود...

ت: ما «نوگرا» (مدرن) هستیم و بدین لحاظ «آینده نگر» و «آباد سازیم»؛ بدین معنا که معتقدیم ضرورت دارد تا هرچه زودتر کار برنامه ریزی در مورد حل مسائل کلان کنونی آغاز گردد - مسائلی همچون: مشکلات مادی، معیشتی، شغلی، تشکیل خانواده، مسکن، پوششی، زیستی، بهداشتی، امنیت ملی و اجتماعی، ناکارآمدی صنعت و علم، فقدان عدالت اقتصادی و اجتماعی، وجود شکاف های طبقاتی، فرار مغزها و هدر رفتن ثروت های کشور، و بالاخره عدم توزیع عادلانه ثروت های طبیعی و تولید شده ملت. ما خواستار استفاده بهینه از این ثروت ها در راستای توسعه پایدار و عادلانه مناطق مختلف کشوریم.

4. پرسش دیگری که از ما می شود آن است که «آیا می توان منتظر تأسیس یک حزب سکولار دموکرات نیز بود؟» پاسخ ما، لاقلاً تا فروپاشی حکومت اسلامی و تأسیس دولت موقت گذار، منفی است. احزاب در داخل کشور و با قبول قانون اساسی حکومت که حاصل شراکت خود آنان نیز هست معنا و توان فعالیت دارند و وجودشان در خارج کشور صرفاً تمرینی برای کار آن فردا است. در عین حال، تصور کنونی ما - بعنوان افرادی از این جنبش - آن است که در ایران فردا نیز «جنبش سکولار دموکراسی ایران» بیشتر نقش ناظر و مراقب و نگهبان ماهیت سکولار دموکرات حکومت را بر عهده خواهد داشت و بعلت عامیت خود نمی تواند به ارائه برنامه های اجرایی برای اداره امور کشور بپردازد.

5. بدین ترتیب، برنامه ریزی برای اداره کشور، در دوران پیش از انحلال حکومت اسلامی بر عهده «آلترناتیو سکولار دموکرات» است و پس از انحلال، وظیفه احزاب سیاسی محسوب می شود.

کار «جنبش» و «نهاد هماهنگی» آن و نیز «کنگره سکولار دموکرات های ایران» فراهم کردن زمینه تبدیل ایده «سکولار دموکراسی» به گفتمان غالب سیاسی و فراهم ساختن موجبات گفتگوی شخصیت ها با یکدیگر و هموار ساختن راه برپائی «آلترناتیو» است و بس.

با امید دیدار با آن گروه از سکولار دموکرات های ایرانی که در چهارم و پنجم ماه جولای داوطلبانه به فرانکفورت می آیند تا با هم آشنا شده و به گفتگو بنشینند، با این توجه که، برای اطلاع آنان که قادر به آمدن نبوده اند، مذاکرات شان بصورت زنده پخش رادیو - تلویزیونی خواهد شد[5].

-
1. <http://isdmovement.com/In2/History.htm>
 2. <http://isdmovement.com/In2/History.htm>
 3. <http://isdmovement.com/In2/Invitation-List.htm>
 4. <http://isdmovement.com/2015/0615/062415/062415.Behnam-Changaii-Letter-to-the-3rd-congress.htm>
 5. <http://watch.mihantv.com/liveevent.htm>

با ارسال ای - میل خود به این آدرس می توانید مقالات نوری علا را هر هفته مستقیماً دریافت کنید:

NewSecularism@gmail.com

مجموعه آثار نوری علا را در این پیوند بیابید:

<http://www.puyeshgaraan.com/NoorialaWorks.htm>

صفحه نوری علا در فیس بوک:

<https://www.facebook.com/esmail.nooriala.5>